

فهم و شناخت مسائل و نیازهای نوجوانان وابسته به مواد محرک*

شکرالله قره داغی^۱، حسین یحیی زاده پیرسرایی^۲، محمدسعید ذکایی^۳، حبیب آقابخشی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف فهم و شناخت مسائل و نیازهای نوجوانان پسر وابسته به مواد محرک انجام گرفت. **روش:** این پژوهش از نوع کیفی و تحلیل تماتیک بود. جامعه پژوهش شامل همه نوجوانان پسر وابسته به مواد محرک بود که بر اساس روش نمونه گیری هدفمند و با استفاده از تکنیک اشباع داده ها، ۱۲ نفر از نوجوانانی که در مراکز ترک اعتیاد دولتی و غیردولتی تهران و البرز در سال های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ حضور داشتند، انتخاب شدند. جمع آوری داده ها با روش مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته انجام گرفت و سپس داده ها با استفاده از روش کلارک و براون (۲۰۰۶) تحلیل گردید. **یافته ها:** بر اساس تحلیل داده ها، نیازهای نوجوانان در سه دسته نیازهای عمومی (شامل نیاز به حمایت خانواده، آموزش مهارت های والدینی، ارتباط سالم با دوستان و همسالان، آموزش رسمی و مهارت های زندگی، و تفریح)، نیازهای دوره بازتوانی (شامل نیاز به حمایت دوستان و خانواده، ارائه خدمات متناسب با دوره نوجوانی، پیگیری وضعیت سلامت، داشتن هدف، امید، احترام، و انگیزه)، و نیازهای پس از دوره بازتوانی (شامل نیاز به وجود افراد تاثیر گذار و مراقبت و حمایت اجتماعی مداوم و بلندمدت) به عنوان مضمون های اصلی و فرعی استخراج گردید. **نتیجه گیری:** بر اساس نتایج مطالعه، ایجاد و گسترش مراکز ارائه خدمات تخصصی توسط کادر متخصص آموزش دیده آشنا با نیازها و مسائل نوجوان وابسته به مواد به جهت ارائه خدمات روانی-اجتماعی به نوجوانان و خانواده هایشان و برنامه های سوادآموزی و مهارت آموزی ضرورت دارد.

کلیدواژه ها: روش کیفی تحلیل مضمون، نوجوانان، مواد محرک، نیازها، بازتوانی

*. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه علامه طباطبائی است.

۱. دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. پست الکترونیکی: yahyazadeh@atu.ac.ir

۳. استاد، گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۴. دانشیار، گروه مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران.

مقدمه

نوجوانی^۱ دوره‌ای چالش‌برانگیز از لحاظ اجتماعی، احساسی و روان‌شناختی در زندگی هر فردی است. رشد و توسعه هویت فردی، جداسدن از خانواده مبدا، ایجاد روابط فردی مناسب با دیگران، تجربه ارزش‌های مختلف برای کشف خود، روبه‌رو شدن با واقعیت‌های سخت زندگی، ایجاد یک منبع مالی و درآمدی مناسب (متکی به خود)، رفتن به مدرسه و دانشگاه، تامین و حفظ شغل مناسب و در نهایت توانایی ایجاد رابطه نزدیک با فرد دیگری از جنس مخالف و تشکیل خانواده، طیفی از توانایی‌ها و وظایفی هستند که نوجوانان باید در طول نوجوانی خود آن را بدست آورده و انجام دهند. متأسفانه، این دوره سخت در طول چند دهه گذشته به دلیل ورود غیرقانونی مواد مخدر و محرک به حوزه تجربه نوجوانان، خطرناک و سخت‌تر شده است. متأسفانه نوجوانان در سراسر کشور بدون اعتنا به شواهد عینی و عواقب آشکار مصرف مواد و توصیه‌های والدین‌شان، این مواد را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند که معمولاً این مصرف در سال‌های بعد و در زمان بزرگسالی نیز ادامه می‌یابد و بزرگسالی آنان را نیز تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. سوءاستفاده از مواد توسط نوجوانان به طور قابل توجهی در بسیاری از حوزه‌های زندگی آنان تاثیر می‌گذارد و نتایج بسیار مخرب و منفی را بر جسم، روان و زندگی اجتماعی و آینده آنها خواهد گذاشت. این حوزه‌ها شامل سلامت جسم و روان، ارتباطات اجتماعی، الگوهای دوستیابی و ازدواج، ثبات کار و آینده تحصیلی نوجوانان خواهد بود (کهل‌میر^۲، ۲۰۱۹).

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل در جدیدترین گزارش خود پیرامون وضعیت مواد مخدر در جهان، اعلام کرده است که تخمین زده می‌شود حدود ۲۸۴ میلیون نفر از جمعیت ۱۵ تا ۶۵ ساله در سال ۲۰۲۰ به صورت غیرقانونی حداقل یک بار مواد مخدر و روانگردان مصرف کرده‌اند؛ که نشان‌دهنده افزایش ۲۶ درصدی نسبت به دهه گذشته بوده است. افراد جوان مواد بیشتری مصرف می‌کنند و امروزه سطح مصرف در بسیاری از کشورها بیشتر از نسل قبل می‌باشد (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل^۳، ۲۰۰۸).

نگاهی به آمارهای مصرف مواد و اعتیاد در ایران نیز نشان می‌دهد هر ساله این آمار رو به افزایش است و آمارهای غیررسمی در این رابطه نشان می‌دهند ۱۴ میلیون نفر از جمعیت ایران با مشکلات اعتیاد به صورت مستقیم و غیرمستقیم درگیر هستند (نعمتی سوگلی تپه، شاهمرادی، رحیمی و خالیدیان، ۱۳۹۹). همچنین نرخ شیوع مصرف مواد در جمعیت عمومی ۱۵ تا ۶۴ سال کشور را ۵/۴ درصد و جمعیت مصرف‌کننده مستمر و غیرمستمر و مخاطره‌آمیز مواد مخدر در کشور ۴۴۰۲۸۰۰ نفر، نرخ شیوع مواد در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ۴/۷ درصد و در بین دانش‌آموزان دبیرستانی ۲/۱ درصد و نیز هزینه‌های اقتصادی مواد در مقیاس سالیانه ۱۹۹ هزار میلیارد تومان بوده است (صرامی، ۱۳۹۶). اختلال مصرف مواد نوجوانان در سال‌های اخیر، افزایش قابل توجهی داشته است (موسسه بین‌المللی سوء مصرف مواد^۱، ۲۰۲۰؛ به نقل از عباسپور و قنبری، ۱۳۹۹). در ایران نیز براساس آمارهای موجود حدود ۱۶ درصد از معتادان ایران کمتر از ۱۹ سال سن دارند (کیان ارثی، عباس پور و اصلانی، ۱۴۰۱). گزارش سازمان بهداشت جهانی^۲ نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها در معرض افزایش مصرف مواد مخدر، روانگردان و الکل در میان نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله هستند. بنابراین مصرف مواد مخدر و روانگردان توسط نوجوانان، نه تنها به نگرانی عمده در کشورهای در حال توسعه بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز تبدیل شده است (دفتر مواد مخدر و جرایم سازمان ملل، ۲۰۰۸).

نوجوانی یک دوره پیچیده و مهم برای رشد مغز و بدن است و مصرف مواد می‌تواند به تغییرات مغزی منفی منجر شود (کلیسترا، کريت، کامپیل و بریکنر^۳، ۲۰۱۴). ترکیبات روانگردان می‌توانند با ایجاد مسیرهای عصبی بین حافظه و سیستم پاداش، اثرات درازمدت بر مغز داشته باشند. بخش‌های پاداش و حافظه مغز در دوران نوجوانی بیشتر از بخش‌های تصمیم‌گیری و کنترل، رشد می‌کنند که این امر باعث می‌شود فرد نوجوان به حرکت و تحرک پردازد و عواقب احتمالی رفتار را در نظر نگیرد. این تغییرات می‌تواند نوجوانان

را به سمت مصرف مواد مخدر و روانگردان سوق دهد (وایتیما^۱، ۲۰۱۷). علاوه بر این، پاسخ نوجوانان به مصرف مواد متفاوت از بزرگسالان است. در مقایسه با بزرگسالان، مسیرهای عصبی مغز نوجوان که در حافظه دخیل هستند، بیشتر از بزرگسالان به مواد (الکل) آسیب پذیرند، که به دلیل رشد و تکامل مغز باعث کاهش عملکرد حافظه و سلولهای مغز می شود. مصرف مکرر مواد یا الکل در دوران نوجوانی می تواند بیماری های مختلف را در بزرگسالی افزایش دهد (اسمیت^۲، ۲۰۱۳)؛ چرا که سوء مصرف مواد بسیار پیشرونده است و هر چه سن اولین تجربه مصرف مواد پایین تر باشد، احتمال ادامه آن در سنین بالاتر بیشتر است (جوردن و اندرسون^۳، ۲۰۱۶؛ به نقل از وهاب و همکاران، ۲۰۲۱). تحقیقات نشان می دهد در آمریکا ۹۰ درصد افراد بزرگسالی که به دلیل مصرف مواد غیرقانونی خدمات دریافت کرده بودند، سوء مصرف مواد را قبل از ۱۸ سالگی آغاز کرده اند. از بین این افراد ۲۵ درصد دچار اختلال مصرف مواد^۴ می شوند، در حالی که تنها ۴ درصد از افرادی که مصرف مواد را بعد از ۲۱ سالگی آغاز می کنند، دچار اختلالات مربوط به مصرف مواد می شوند (دفتر مواد مخدر و جرایم ملل متحد، ۲۰۰۸). مواد مخدر و روانگردانها معمولاً در چند دسته بزرگ دسته بندی می شوند که یکی از آنها محرک ها هستند. معروف ترین محرک ها مت آمفتامین (شیشه) و کوکائین هستند. مواد محرک اثر عمده شان را در مغز از طریق ناقل های شیمیایی دوپامین و نورآدرنالین اعمال می کنند. مواد محرک با تاثیر بر مرکز پاداش مغز، اثرات لذت بخشی مانند سرخوشی ایجاد می کنند که بروز همین اثرات در مصرف کننده به وابستگی می انجامد. بنابراین اختلال مصرف مواد نوجوانان تاثیر بسیار زیادی بر سلامت روان و بهزیستی آنان دارد و عواقب زیانبار بیشتری را نسبت به بزرگسالان برای آنها رقم می زند (کیان ارثی و همکاران، ۱۴۰۱).

همانطور که گفته شد، یکی از حساس ترین دوره های زندگی، دوره نوجوانی و دوران بلوغ به شمار می رود. این دوره زمان بحران و شورش است، نوجوان با دارا بودن ویژگی ها و

نیازهای خاص به دنبال هیجان است و در این راه اغلب به بی‌راهه کشیده می‌شود (ستوده، ۱۳۸۴). در پژوهشی نشان داده می‌شود که ۳۳/۴٪ از مصرف‌کنندگان مواد، نخستین بار در مهمانی دوستانه به مصرف مواد مبادرت کرده‌اند و ۴۵/۷٪ جامعه مورد مطالعه را افرادی تشکیل می‌داده‌اند که در فاصله سنی ۱۷-۲۲ سال، مصرف مواد را شروع کرده‌اند (زاهدی اصل، ۱۳۹۲). همچنین عزت پور، رحمانی و بیدارپور (۱۳۹۷) از طریق مصاحبه با ۴۱۰ نفر از افراد وابسته به مواد دریافتند که کنجکاوی، لذت‌جویی، فشار همسالان، سابقه خانوادگی اعتیاد، شکست عاطفی و بیکاری و نیز رفاه زیاد مهمترین دلایل مصرف در بار اول بوده‌اند. نتایج پژوهش پرویزی، سپهوند، ثناگو و رزاقی (۱۳۸۷) در مصاحبه با افراد سالم نشان داد که ۸۷ درصد از نوجوانان مورد بررسی دوستی‌ها و ارتباط با دوستان و ۱۵ درصد خانواده را دلیل رواج اعتیاد دانسته‌اند. همچنین رهایی از مشکلات و بی‌خیالی، احساس بزرگی و قدرت، جبران محدودیت‌های اجتماعی، نداشتن تفریح، تمایل به هنجارشکنی و کنجکاوی نیز، از دیگر دلایل مورد نظر نوجوانان مورد بررسی بوده است. پژوهش دیگری توسط محمد خانی (۱۳۸۷) با عنوان عوامل خطر ساز و حفاظت‌کننده مصرف الکل، سیگار و سایر مواد در نوجوانان ۱۸-۱۳ ساله انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که مجموعه‌ای از عوامل خطر ساز و حفاظت‌کننده در چند حیطه مختلف با مصرف الکل، سیگار و سایر مواد در نوجوانان مرتبط است. در حیطه خانواده عوامل پیوند ضعیف با خانواده و تعارض‌های خانوادگی و در حیطه فردی عواملی مانند هیجان‌خواهی بالا، نگرش مثبت به مواد، سطح جرأت‌مندی پایین، خودپنداره منفی و خلق افسرده از مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های مصرف مواد در نوجوانان بودند. در حیطه اجتماعی و مدرسه داشتن همسالان مصرف‌کننده و دارای رفتارهای ضد اجتماعی و عدم تعهد به مدرسه و فضای روانی اجتماعی نامناسب مدرسه به طور معناداری با مصرف مواد رابطه داشتند. لذا به نظر می‌رسد توجه نکردن به نیازها و مشکلات مرتبط با دوره نوجوانی و عدم رسیدگی به آنها به افزایش آسیب‌پذیری نوجوانان مصرف‌کننده مواد منجر خواهد شد و می‌تواند برای جامعه بسیار زیان‌بار باشد.

در همین راستا مددکاران اجتماعی مسئول تصمیم‌گیری، ارائه خدمات حمایتی و درمانی در بخش قابل توجهی از سازمان‌ها و مراکز خدمات اجتماعی برای گروه‌های مختلف در جامعه به‌خصوص نوجوانان هستند؛ اما قبل از تصمیم‌گیری در مورد اقدامات و مداخلات در زمینه‌های مختلف ابتدا باید یک ارزیابی از نیازهای ویژه این گروه از نوجوانان بدست آید تا بتوان مداخلات و اقدامات مناسب برای حمایت، حفاظت و بازتوانی این گروه از نوجوانان انجام شود. مددکاران اجتماعی برای دانستن اینکه آیا مداخلات و اقداماتی را که انجام می‌دهند با مشکلات و نیازهای مدجویان‌شان متناسب است و اینکه چه مداخلات دیگری باید انجام دهند، نیاز به بروز کردن اطلاعات و دانش خود دارند. تحقیقات قبلی حاکی از کمبود دانش در خصوص عوامل، فرآیندهای حاکم بر خدمات اجتماعی و تصمیم‌گیری در مورد این گروه از نوجوانان است (اندرشید، اندرشید و سودرهم-کارپلند، ۲۰۱۰). به نظر می‌رسد یکی از راه‌های افزایش دانش ما درباره نوع و شکل خدمات و مداخلات حرفه‌ای به نوجوانان وابسته به مواد، مراجعه به نوجوانان و استفاده از تجربه زیسته آنان، همچنین کسانی که در این زمینه دارای تجربه و دانش هستند، می‌باشد. تعداد زیادی از مطالعات کیفی در ارزیابی مسایل و نیازها برای بزرگسالان انجام شده است اما مطالعاتی که فقط تمرکز بر نوجوانان باشد محدود است. بنابراین مروریات پژوهش حاکی از کمبود پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با موضوع پژوهش است با این حال تلاش‌هایی در زمینه پیشگیری، بازتوانی و بهبود وضعیت سلامت روانی و اجتماعی این گروه از نوجوانان انجام گرفته است، این تلاش‌ها بیانگر درک جدیدی نسبت به نوجوانان وابسته به مواد در فضای علمی می‌باشد. با این حال باید گفت در کنار غفلت‌های انجام شده در حوزه نوجوانان وابسته به مواد در داخل کشور، درک این مسئله که نوجوانان وابسته به مواد (محرک)، در مسیر بازتوانی و بازگشت به جامعه بدون مصرف مواد، دچار چه مسایل و مشکلاتی می‌شوند و دارای چه نیازهای ویژه‌ای هستند، می‌تواند نقطه آغاز مناسبی برای انجام پژوهش‌هایی برای تدوین برنامه‌ها و مداخله‌های بازتوانی برای این

گروه از نوجوانان باشد. بنابراین این پژوهش با استفاده از روش کیفی در پی پاسخ به این سوال است که مسائل و نیازهای نوجوانان پسر مصرف کننده مواد محرک برای درمان کدام است؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

این مطالعه با رویکرد کیفی و تحلیل تماتیک انجام شد. شرکت کنندگان پژوهش از بین نوجوانان پسر وابسته به مواد محرک که در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ در مراکز ترک اعتیاد دولتی و غیردولتی استان تهران و استان البرز حضور داشتند، به صورت هدفمند انتخاب شدند. حجم شرکت کنندگان بر اساس معیار اشباع داده‌ها بود. از آنجا که این پژوهش به روش کیفی انجام شد، به منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق استفاده شد. ملاک ورود افراد به پژوهش، تجربه مصرف مواد محرک، داشتن سن ۱۳ تا ۱۹ سال، تمایل شخصی به حضور و مشارکت در پژوهش بود. جلسات مصاحبه در فضایی آرام و مورد توافق مصاحبه کننده و مصاحبه شونده از لحاظ زمانی و مکانی در مراکز برگزار شد. در ابتدای هر مصاحبه اصول اخلاقی با ارائه اطلاعات شفاهی و کتبی به مشارکت کنندگان در خصوص مطالعه، اختیاری بودن شرکت در آن و با تکمیل رضایت نامه رعایت گردید. مدت زمان هر مصاحبه ۹۰ دقیقه تا ۱۲۰ دقیقه به طول انجامید. کلیه مصاحبه‌ها ضبط و بلافاصله پس از هر جلسه، کلمه به کلمه تایپ گردید و تجزیه و تحلیل همزمان انجام گرفت تا فرمت مصاحبه بعدی شکل داده شود. این مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به حد اشباع داده، یعنی جایی که در جریان مصاحبه هیچ داده جدیدی یا مرتبط حاصل نشود؛ ادامه پیدا کرد که در نهایت ۱۲ نوجوان پسر مورد مطالعه قرار گرفتند.

به منظور تحلیل داده‌ها از روش شش مرحله‌ای براون و کلارک^(۲۰۰۶) به شرح زیر استفاده شد:

۱- آشنا شدن با داده‌ها: در این مرحله ابتدا مصاحبه‌ها چند بار توسط محقق گوش داده شد و سپس پیاده سازی شدند.

- ۲- تولید کدهای اولیه: در این مرحله کدگذاری اولیه انجام گرفت؛ کدها پدیدار شدند و سپس کدهایی که دارای معنای مشترک بودند در کنار هم قرار گرفتند.
 - ۳- جستجوی مضامین: در مرحله سوم کدهای دارای معنای مشترک در یک زیرطبقه قرار گرفتند که برچسب اختصاص داده شده به هر زیر طبقه مفهوم کدها را در برداشت.
 - ۴- بررسی مضامین: در مرحله چهارم زیر طبقات به دست آمده بررسی شدند و زیرطبقات دارای معنای مشترک در یک طبقه قرار گرفتند.
 - ۵- تعریف و نام گذاری مضامین: در مرحله پنجم کدهای اولیه، کدهای هم گروه، زیرطبقات و طبقات حاصل شده مرور شدند و طبقات اصلی نام گذاری شدند.
 - ۶- آماده سازی گزارش: در مرحله ششم تمام طبقات حاصل شده برای نوشتن یافته‌ها به هم ربط داده شدند و در نهایت گزارش نهایی توسط محققین به انجام رسید.
- جهت تأمین اعتبار مطالعه از معیارهای گویا و لینکن استفاده گردید. بدین منظور بر پایه این روش، چهار معیار، اعتبار یا مقبولیت^۱، تأیید پذیری^۲، قابلیت اعتماد^۳ و قابلیت انتقال^۴ به کار گرفته شد. از این رو به منظور اطمینان از مقبولیت و صحت و درستی داده‌ها و تأییدپذیری، درگیری مداوم با داده‌ها و تأیید داده‌ها توسط مشارکت کنندگان، همکاران گروه تحقیق و دو نفر از دانشجویان دکتری را به همراه داشت. جهت تعیین قابلیت اعتماد، دو نفر از گروه تحقیق جداگانه مصاحبه‌ها را کدگذاری نمودند که به میزان زیادی توافق بین نظرات وجود داشت. همچنین در جمع‌آوری، پیاده‌سازی و ثبت داده‌ها و تخصیص زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌ها، نهایت دقت صورت گرفت. در زمینه انتقال‌پذیری، اطلاعات کسب شده توسط دو نفر از اعضای هیات علمی، خارج از گروه تحقیق و صاحب نظر در زمینه تحقیقات کیفی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها

سن نوجوانان مصاحبه شونده ۱۴ تا ۱۹ ساله بود که اولین تجربه مصرف را در سنین بین ۸ تا ۱۳ سالگی داشتند. مصرف مواد به صورت غیر تزریقی و تنوع در مصرف مواد محرک و

مخدر را به صورت همزمان داشتند. تعدادی کمی از آنان اولین مصرف شان را از طریق پدر تجربه کرده بودند و سایر نوجوانان اولین مصرف مواد را با دوستان و همسالان، تجربه کرده بودند. برخی از نوجوانان از شهرهای تهران و کرج و تعدادی نیز از شهرهای مشهد، ارومیه، گرگان و تربت جام بودند که به تهران و کرج مهاجرت کرده بودند. تحصیلات آنان ابتدایی، متوسطه اول و دوم بود که مصرف مواد منجر به ترک تحصیل آنان شده بود. تحصیلات والدین، از بی سواد تا لیسانس متغیر بود. تعداد زیادی از نوجوانان دارای پدری معتاد و تعداد کمی از آنها مادران شان نیز مصرف کننده بودند. در جدول ۱ اطلاعات کاملی از شرکت کنندگان درج شده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان

مشارکت کننده	سن (سال)	تحصیلات	سن شروع مصرف	سابقه کانون/ زندان	تجربه مصرف در خانواده	ارتباط با خانواده	تحصیلات والدین
شماره ۱	۱۷	پنجم ابتدائی	۱۱	●	پدر مشروب و سیگار، مادر مصرف کننده نبود	مادر فوت کردند، وجود نامادری	پدر لیسانس مادر دیپلم
شماره ۲	۱۸	بی سواد	۱۸		پدر و مادر معتاد	پدر و مادر فوت کردند	هر دو بی سواد
شماره ۳	۱۸	دوم راهنمایی	۶	●	پدر و مادر معتاد	پدر و مادر فوت کردند	پدر راهنمایی و مادر ابتدایی
شماره ۴	۱۸	اول راهنمایی	۸	●	عمو (سرپرست) معتاد	پدر فوت کردند، مادر ازدواج کردند و سرپرستی با عمو	هر دو بی سواد
شماره ۵	۱۷	چهارم ابتدایی	۱۰	●	عدم مصرف والدین	مادر ابتدایی، هر دو در قید حیات	پدر سیکل
شماره ۶	۱۸	دوم دبیرستان	۱۶		پدر معتاد	در قید حیات	پدر دیپلم و مادر سیکل
شماره ۷	۱۸	دیپلم برق	۱۵		عدم مصرف والدین	فرزند طلاق با مادر زندگی می کنند	هر دو دیپلم

جدول ۱: اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان

مشارکت کننده	سن (سال)	تحصیلات	سن شروع مصرف	سابقه کانون/زندان	تجربه مصرف در خانواده	ارتباط با خانواده	تحصیلات والدین
شماره ۸	۱۷	ششم	۱۱	●	عدم مصرف والدین	هر دو فوت کردند	هر دو ابتدایی
شماره ۹	۱۹	اول راهنمایی	۱۲		پدر معتاد	مادر فوت کردند، وجود نامادری	پدر بی سواد و مادر ابتدایی
شماره ۱۰	۱۵	دوم راهنمایی	۶		پدر و مادر معتاد	در قید حیات	هر دو ابتدایی
شماره ۱۱	۱۹	دوم دبیرستان	۱۳	●	پدر معتاد	فرزند طلاق، زندگی با مادر بزرگ و پدر بزرگ	پدر دیپلم مادر سیکل
شماره ۱۲	۱۶	دوم راهنمایی	۱۰		عدم مصرف والدین	در نوزادی تحویل پدر و مادر ناتنی گردید	هر دو دیپلم

بعد از چندین بار مرور دست نوشته ها و جملات معنایی خارج شده از متن مصاحبه ها و تحلیل آنها، مفاهیم و جملات معنایی در ۱۲ مضمون فرعی و ۳ مضمون اصلی شامل نیازهای عمومی، نیازهای در طول دوره بازتوانی و نیازهای پس از بازتوانی قرار گرفتند. در جدول ذیل نمایی از عبارت های معنایی، مضمون فرعی و مضمون اصلی پژوهش آمده است.

۱- نیازهای عمومی نوجوانان

جدول ۲: عبارات‌های معنایی، کدهای اولیه، مضمون‌های فرعی و اصلی

عبارات معنایی	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون اصلی
من شش ساله بودم که مادرم مرد و نه ساله بودم که پدرم ازدواج کرد			
- پدر و مادرم هر دو مردن تنهام کسی رو ندارم	احساس تنهایی		
- پدرم و مادرم منو نخواستن و تو همون ۲ ماهگی منو تحویل همین پدر و مادر ناتنیم دادن	و بی کسی		
	نیاز به تجربه زندگی		
من هم پرورشگاه بودم، من ۱۸ سالم شد اومدم بیرون	تجربه زندگی	بررسی	
- رفتم بهزیستی تا ششم اونجا بودم بعد فرار کردم	در مراکز بهزیستی	مسایل و مشکلات	
- وقتی که نامادری اومد تو زندگیم، منم سختیام شروع شد.	وجود نامادری	مرتبط با خانواده	
- خوب نامادریه دیگه اسمش روشه دیگه منو اذیت می کرد			
- سیگار می کشه قلیون هم می کشه مشروب هم می خورد	مصرف مواد		
- وقتی پدر مادرت معتاد باشن مدرسه میفرستن؟ پدر مادر معتاد باشن	توسط اعضای خانواده		
نمی دونم مدرسه چیه اصلا نمی دونم که بچه دارن یا ندارن همش فکر مواد خودشون		نیازهای عمومی	
- آره اون موقع بابام میزد یعنی نمره کم میاوردم میزد میگفت درستو بخون من هم فرار کردم	تجربه خشونت		
- مری‌ها تو بهزیستی گیر می دادند اذیت می کردند تنبیه می کردند.	در خانواده	آموزش	
- پدرم ضایعات جمع می کرد منو مادرمو کتک میزد.		مهارت‌های والدینی	
- آگه یه ذره توجه پدر مادر به آدم بیشتر باشه اینجوری نمیشه آدم.			
- محبت بود بابام خیلی به من محبت کرده ولی اون همراهیه نبود	نیاز به ارتباط	برای	
- نه بابام که برام کاری نمیکنه، باهاش اصلا صحبت نمیکنم، با بام که صحبت میکنم با دعوا هست	مناسب	خانواده ها	
- چطوری بگم بابام بود ولی اسمش بابا بود فقط، ولی نقش یه پدر برام ایفا نکرد موقعی که بهش احتیاج داشتم کنارم نبود	با پدر		
- همشون که نه شاید از ۱۰ تا ۹ تاشون مصرف میکنن شیشه مصرف می کردن	دوستان مصرف کننده	نیاز به ارتباط	

جدول ۲: عبارات‌های معنایی، کدهای اولیه، مضمون‌های فرعی و اصلی

عبارات معنایی	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون اصلی
- یه دوستی داشتم که اون مصرف میکرد همون بهم گفت خوبه من هم مصرف کردم		سالم و مثبت با همسال و دوستان	
- رفتم پارک نیاورون، اونجا یکی از رفیقام بود اسمش مهدی شیشه‌ای بودش			
خوب با اونایی که مواد مصرف میکنن قطع رابطه میکنم، سمت خاک سفید دیگه نمیروم، خوب میرم جای دیگه کار میکنم، دوستای دیگه‌ای پیدا میکنم			
- آره دور آتیش باهم می‌زدیم بزرگ کوچیک فرق نمیکرد باهم می‌زدیم			
- همین شب تا صبح بیدار موندنا و کلپ زدنا رفیق بازیای نمی‌ذاره، خیلی لذت داره	لذت مصرف با دوستان		
-مصرف تنهایی که اصلا هیچکی دوست نداره تنهایی حال نمیده که - خوب من تو یه مدرسه غیر انتفاعی بودم مردود شدم دیگه ول کردم - آره اون موقع که روستای ... بودم رفتم اما وقتی فهمیدن من معتادم از مدرسه انداختنم بیرون			
-تو مدرسه دعوا زیاد میکردم دوست زیادی نداشتم تا اینکه از مدرسه اخراج شدم	دوری از تحصیل		
- دوست دارم درس بخونم چون ۲ روز دیگه بزرگترشیم نمیشه اینجوری بمونیم		نیاز به آموزش رسمی/ مهارت- های	
- ببینید مواد آرام بخشه بین دارو هه مثلا سرت درد میکنه میری قرص میخوری خوب میشی، نصف جوونا منبعی ندارن، همشون میگن اگه ما مواد بزنیم روزمون سریع میگذره	باورهای نادرست در مورد مواد		
-آقا اگه مواد بزنی قشنگ‌تر میتونی راه بری			
- الان تو خیابون نگاه میکنم میبینم دیگه همه مصرف‌کنندن، دختره با اون خوشگلی داره درسشو میخونه یا میره کلاس تا تریه عالمه وقت میزازه میخواد بازیگر شه شیشه میزنه انرژری میگیره، کل درساشو سریع می‌نویسه الانم موفق شده کلی رفته جلو			

جدول ۲: عبارات‌های معنایی، کدهای اولیه، مضمون‌های فرعی و اصلی

عبارات معنایی	کد اولیه	مضمون	مضمون اصلی
- دیگه فقط ماریجوانا و گل میزنم چون واقعا از نظر علمی ضرر زیادی نداره اعتیاد خاصی نداره			
- شیشه و ماریجوانا مصرف میکردم واسه اینکه بخندم و شاد باشم			
- من دیدم عموم میکشه شاد میشه بالا پایین می پره منم خواستم ببینم چیه که اینطوری میکنه	شادی		
- هر پنج شنبه که می رفتم مهمونی به عشق اون مصرفی که ال اس دی و هروین داشتم میرفتم	احساس لذت	نیاز به تفریح و سرگرمی / اوقات فراغت	
- پشت پنجره دیدم که عموم مصرف میکرد حس کنجکاوی باعث شد که برم بردارم مصرف کنم و کارایی رو که دیده بودم رو تقلید کنم			
- نمی شد مصرف نکنی چون حس کنجکاوی که از بچگی باهامه نمیداشت مصرف نکنم	کنجکاوی		
- داداشم شیشه می کشید بعد پیش خودم گفتم که این شیشه چیه من باید به بار امتحانش کنم همون یه بار امتحانش کردم همانا و افتادن توش همانا			

۲۰۵

205

• نیاز به بررسی مسایل و مشکلات مرتبط با خانواده

با توجه به یافته‌های پژوهش، مصاحبه‌شوندگان، از دست دادن حمایت‌های خانوادگی به علت طرد شدن از طرف خانواده، فوت یک یا هر دو والد، طلاق، ازدواج مجدد، وجود ناپدیری یا نامادری و اعتیاد والدین را از عمده مشکلات خود معرفی می‌کنند. دوران نوجوانی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی است که مهمترین نیازهای عمومی و اساسی آنان ضرورت داشتن خانواده و سرپرست است. بی‌شک نقش خانواده به عنوان واحد اصلی و عنصر تأثیرگذار بر روابط، رفتارها و خصوصیات ذاتی و اکتسابی اعضا، واضح و غیرقابل تردید است. خانواده سالم بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی و بالندگی اعضای خود فراهم می‌کند و در حفظ و ارتقای سلامت جسمی و روانی آنها تأثیر فراوان و غیرقابل انکاری دارد. در مقابل، خانواده ناسالم زمینه را برای ایجاد اختلاف در ابعاد

جسمی، روانی و اجتماعی فراهم کرده و افراد را به سمت بزهکاری و رفتارهای پرخطری مثل مصرف مواد سوق می‌دهد.

• آموزش مهارت‌های والدینی

فروپاشی نظام خانواده مشترک قدیمی، فقدان عشق و مراقبت والدین در خانواده‌های جدید که در آن هر دو والدین کار می‌کنند، کاهش ارزش‌های مذهبی و اخلاقی قدیم و غیره منجر به افزایش در تعداد معتادان به مواد مخدر و روانگردان به‌ویژه در نوجوانان شده است که مواد را برای فرار از واقعیت‌های دشوار زندگی مصرف می‌کنند. فرآیندهای صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت منجر به از بین بردن روش‌های سنتی کنترل اجتماعی شده است که می‌تواند یک نوجوان را با جدی‌ترین بحران‌ها روبه‌رو کند. برخوردهای افراطی یا تفریطی والدین و یا عدم برقراری رابطه درست با نوجوان (مسخره، طرد و تحقیر کردن) پیامدهای نامطلوبی به دنبال خواهد داشت. آقابخشی (۱۳۹۳) در جمع‌بندی مطالعه خود در خصوص کارکردهای خانواده؛ جامعه‌پذیری فرزندان، نقش اقتصادی و حمایتی پدر و روابط اجتماعی اعضای خانواده را مهمترین کارکردهای خانواده ذکر می‌کند؛ و در ادامه می‌آورد "در حالی که همکاری و هماهنگی لازم بین پدر و مادر برای جامعه‌پذیری فرزندان اجتناب‌ناپذیر است، نقش پدر در این زمینه بیش از نقش او در زمینه پرورش جسمی است. تنها پدر است که می‌تواند مرجعی برای فرزندان، به ویژه پسران باشد".

• نیاز به ارتباط مثبت و سالم با دوستان و همسالان

یکی از ویژگی‌های دوره نوجوانی هویت‌یابی، سست شدن روابط نوجوان با خانواده خود، افزایش گرایش او به همسالان و دوستان و الگویابی است. همان‌طور که در یافته‌های پژوهش مشاهده شد، بیشتر نوجوانان بخاطر ارضاء نیازهای کنجکاوی، کسب لذت، تایید دوستان و همسالان، خودنمایی، هیجان‌طلبی، شادی، تحرک و فعالیت زیاد؛ به مصرف مواد مخدر و روانگردان روی آورده بودند.

مثلا مشارکت کننده شماره ۲ می‌گوید: «آره بیشتر اون تاییدهایی که از آدم می‌کنن،

لذت داره»

یا مشارکننده شماره ۴ بیان می‌کند: «دوستم گفت که برو مواد مصرف کن بیدار میمونی فعال میشی منم کشیدم بیدارموندم و فعال شدم»

انسان طی دوره کودکی، به شدت متأثر از خانواده است؛ اما به تدریج و با افزایش سن، نقش افراد خارج از خانواده، به خصوص همبازی‌ها و همکلاس‌ها افزایش می‌یابد و از اهمیت خانواده کاسته می‌شود. این شرایط با افزایش سن فرد، سیر فزاینده می‌یابد و در دوره نوجوانی به اوج خود می‌رسد. در این وضعیت معمولاً نوجوان از خانواده جدا شده و به سوی دوستان و گروه همسالان کشیده می‌شود. نوجوان در این زمان نیاز به تعلق داشتن به گروه و نیاز به پذیرفته و تأیید شدن را به طور شدید، بیشتر از هر زمان دیگر احساس می‌کند. از این رو برای ارضای این گونه نیازها، به راحتی با گروه مورد نظرش همناوایی می‌کند، هنجارهای گروه مورد نظرش را می‌پذیرد و در لباس پوشیدن، آرایش مو، رفتار، زبان و عقاید از آن گروه تقلید می‌کند (جهانتاب، ۱۳۹۳).

• سوادآموزی و آموزش رسمی و مهارت‌های زندگی / باورهای غلط در زمینه مواد و اعتیاد

از مقوله‌های مهم استخراج شده مقوله‌های نیاز به آموزش رسمی و مهارت‌های زندگی و باورهای غلط در زمینه مواد بود. فقدان مهارت‌های زندگی و کم‌سوادی می‌تواند برداشت‌های نادرستی در خصوص مواد و شیوه‌های مقابله با مصرف مواد در نوجوان ایجاد نماید؛ لذا این برداشت‌های نوجوانان در مورد مصرف مواد می‌تواند مانعی برای درمان موفق باشد. اگر نوجوانان مصرف مواد خود را اشتباه و مواد را چیزی بد، یا زیان‌آور بدانند، مطمئناً درمانگران، کار راحت‌تری در پیش خواهند داشت. از سوی دیگر، اگر نوجوان معتقد باشد که استفاده از مواد به هیچ عنوان اشتباه نیست و کاملاً بی‌خطر است، وظیفه درمانگران در این موارد بسیار سخت خواهد بود.

۲- نیازهای دوران بازتوانی

جدول ۳: عبارات معنایی، کدهای اولیه، مضمون‌های فرعی و اصلی

عبارات معنایی	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون اصلی
خوب به پشتیبان خوب میخوام که ندارم، یکی که به آدم امید بده همین ببین من که کسیو ندارم هیچ کاری نمیتونم انجام بدم موندم چرا به این دنیا اومدم به هردری میزنی بسته است باز هم بخواد بشه از اونجا میندازت پایین، اینجوریه دیگه فهمیدم که هیشکی برای تو غیر خودت دل نمیسوزونه مخصوصا من که هیچکیو ندارم اون موقع جلسه خوشم نمیومد ولی الان عاشق جلسه‌ام، دیگه خسته شدم دوست دارم برم کار کنم نه چون خودم نمیخواستم چون آدم اگه خودش نخواد هیچ کاری نمیکنه یعنی اگه صد نفر هم جلوی کسی مواد بزاره بگن بکش نخواد بکشه نمیکشه یه معتادم نخواد ترک کنه نمیکنه ولی خوب من با خودم میشنم فک میکنم که واقعا این بار که قطع مصرف کردم یه سری سختی‌رو دیدم که واقعا نمی‌ارزه مصرف کردن دوباره مواد آدم بیاد فضای بسته رو تحمل کنی چهار دیواریا میگن باید خسته شده باشه از مواد اما تو همسن و سال‌های من تا حالا ندیدم که از مصرف مواد خسته شده باشه چون ما دندونامون تو دهنمون خانواده مون پشتمونه زیبایی مونو داریم جوونی مونو داریم یه موقعی خسته می‌شیم که دیگه دیر شده رسیدیم به پنجاه سال خوب وقتی مردم می‌بینن همه چی داری، سالم شدی خوش تیپ بری این و اونور میگن چه آدم با شخصیتی خوب این امیدوارم میکنه بهم انگیزه میده مثلا همین علی آقا مسئولمون یه زمانی لای جوبا بوده ولی الان ماشین داره و ملک داره به خیلی چیزا رسیده کار داره، میره خارج، زن و بچه داره دیگه چی میخواد این خودش امیدواریه دیگه، انگیزه است. خوب به خاطر اینکه خودم میخوام چون میخوام پاک بشم مثل اون قبلها نیست که برم فیلتر عوض کنم میخوام پاک بمونم، میخوام زندگی خوبی داشته باشم	ناامیدی نیاز به امید نیاز به انگیزه ترک		

جدول ۳: عبارات‌های معنایی، کدهای اولیه، مضمون‌های فرعی و اصلی

عبارات معنایی	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون اصلی
- فک کنم چون سنم کمه نمیرن کار کنم، اما من دوست دارم برم کار کنم پول جمع کنم، ماشین بگیرم بنذارم زیر پام، زن و بچه داشته باشم اون موقع می‌تونم راحت زندگی کنم.	هدف	نیاز به داشتن دوره	نیازهای در طول دوره باز توانی
- واقعا با خودم تصمیم گرفتم که واقعا پاک شم واقعا دیگه سمت هیچ موادی نرم برم سر کار، کار کنم پول درارم چون الان رفیقامو میبینم ماشین دارن موتور دارن بعضیاشون خونه گرفتن دارن ازدواج میکنن - باید چیا داشته باشی که بتونی دیگه مصرف نداشته باشی چه چیزی توی وجود باید باشه ؟ اراده، امید، هدف - باید بهمون شخصیت قایل بشن، خیلی برام مهمه یه زمانی اینا برام مهم نبود ولی الان خیلی برام مهمه - باید اونا حامی و حمایت کننده ما باشن. - اون ترور شخصیتی، خورد شدننا کوچیک شدننا توی کمپ‌ها باعث شد دوباره مصرف کنم	هدف	نیاز به احترام کارکنان	نیاز به برخورد نامناسب کارکنان
- یه معنادر هیچی جز احترام نمی‌خواد جز این عشقه نمی‌خواد چون که مشکل ما اون پول و لباسه نیست اون محبته است. اون محبته است که جذب میکنه مخصوصا توسن ما چون همه اون دلیلی که مثل من رفته به سمت اعتیاد بی کسیه دیگه. - اون کمپ‌هایی که من رفتم برپا شون با فحش خواهر مادر بود خاموشی‌شون هم با فحش خواهر مادر بود کلا همه کمپ‌ها اینجوریه - ده بار ریختن سرم تو خیابون با کتک و فحش میخواستن برون اونجا که از دستشون فرار کردم - این جور جاها جواب نمیده نه کمپ جواب میده نه بهزیستی جواب میده اون عشقه باید باشه اگه جواب میداد که الان من ۵ سال پاک بودم بین من از مصرف کردن مواد زیاد خوشم نیاد ولی خوب یه رفیق دارم که همسن خودمه بیرون همیشه باهم مصرف می‌کردیم هر کاری می‌کردیم باهم دیگه بودیم بعد خیلی دلم برا اون تنگ شده از یه طرف می‌ترسم برم بیرون پیش اون دوباره بکشم از یه طرف می‌ترسم که اگه نرم پیشش حالش بدتر بشه یعنی می‌ترسم من نباشم تنها باشه	هدف	نیاز به حمایت دوستان و خانواده	نیاز به حمایت دوستان و خانواده

جدول ۳: عبارات‌های معنایی، کدهای اولیه، مضمون‌های فرعی و اصلی

عبارات معنایی	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون اصلی
- مثلاً من الا چند ماه اینجام بعضیا میگن اگه از اینجا برم بیرون میرم اینو میزنم، اونو میزنم، پدر مادرمو با تیر میزنم چرا نیومدن به من سر بزنی چرا نیومدن ملاقاتم	حضور و پیگیری خانواده		
- صبح که بلند می‌شدیم یکی می‌رفت حیاطو جارو میکرد یکی می‌رفت نظافت دشتویا همینجوری صبح میشد شب، شب میشد صبح؛ اونام تموم میشد حتی یارو زن و بچه هم داشت میشوندن اونجا می‌گفتن گل‌های قالی رو بشمار	نیاز به ارابه	فقدان برنامه های متناسب با نوجوانی	
- اینجور جاها به آدم چیزی یاد نمیدن ۳ ماه ۶ ماه یه سال خیلی فرق نمی‌کنه - واسه ما برنامه خاصی نمی‌دارن از صبح تا شب بخور بخواب.			
- الان ۱۰۰ روزه اینجام شب میخوایم صبح بیدار میشیم همین آدما رو میبینیم دوباره همون کارو میکنیم همون سیگارو میکشیم یه بارهم اینجا خود زنی کردم			
- بین دارو می‌دادن بعد یه دفعه قطعش می‌کردن	نیاز به پیگیری وضعیت سلامت روانپزشکی		
- اون موقع دچار افسردگی حاد شدم دو تا خشاب و نصفی به قصد خودکشی خوردم بردنم بیمارستان معده مو شستشو دادن خوب شدم - از اون موقع هم که مصرف مواد و شروع کردم مازوخیسم شدم دوشخصیتی شدم اونم واسه مصرف زیاد شیشه و ال اس دیه			
- خوب مشکل داشتم زیاد خودزنی می‌کردم صورتم مشخصه تو امین آباد هم بستری شدم تو بهزیستی هم بودم			
- اونجا هم دیگه قرصامو بهم ندادن از اون موقع که قرصهامو بهم ندادن خودزنی می‌کنم ناخونامو هی می‌جووم			
- این جا حوصلم همیشه سر میره در حال گریه کردنم			
- اینجا برا ترک، دارو نمی‌دن آب یخ میدن خماری رو از سرت میندازه			

• نیاز به احترام

یکی از مسائل و مشکلاتی که نوجوانان حاضر در مراکز، به آن اشاره می کردند، برخورد نامناسب کارکنان مراکز، تحقیر، استفاده از الفاظ و رفتار توهین آمیز و بی احترامی از طرف کارکنان و وجود کارکنان مصرف کننده مواد در مراکز بود. نوجوانان به کارکنان به عنوان مدل ها و الگوهای نقش، انگیزه و عوامل محدودکننده نگاه می کنند. نوجوانان بسیار علاقه مند به دانستن تاریخچه زندگی درمانگران شان هستند. اگر نوجوانی احساس کند کسی بیش از حد به خاطر مصرف موادم او را سرزنش می کند آن شخص می تواند مانع درمان او شود. در این خصوص مشارکت کنندگان شماره ۱ و ۳ بیان می کنند:

«مشارکت کننده شماره ۱:» به معتاد هیچی جز احترام نمی خواد»

مشارکت کننده شماره ۳: «آدم رو میارن فضای بسته، باید هم اونجا رو تحمل کنی، هم ترور شخصیتی یا فحش خواهر مادر، خورد شدن، کوچیک شدن رو».

• نیاز به انگیزه، هدف و امید

یک نظرسنجی نشان می دهد که ۱/۱ میلیون نفر از نوجوانان بین سنین ۱۲-۱۷ سال به درمان و بازتوانی سوء مصرف الکل و مواد مخدر نیاز دارند، درحالی که فقط حدود ۱۰ درصد از آنان خدمات درمانی را دریافت کرده اند. پژوهش دیگری نیز نشان می دهد که تقریباً نیمی از نوجوانان هرگز درمان سوء مصرف مواد را انجام نمی دهند (فرانک^۱، ۲۰۱۳). همچنین بیشتر نوجوانانی که وارد درمان می شوند تا قبل از اینکه درمان شان رسماً به پایان برسد، تمایل دارند دوره درمان را ترک کنند و از مشکلات عمده دیگر که در رابطه با بازتوانی وابستگی مواد در نوجوانان است، میزان بالای قطع درمان و عود پس از بازتوانی است. لذا نیاز به وجود انگیزه و داشتن هدف در طول دوره درمان و بازتوانی از تاثیرگذارترین موضوعات مورد بررسی و شناسایی شده می باشد و لزوم برنامه ریزی و مداخله های مناسب در جهت ایجاد انگیزه، هدف و امید به نوجوانان حاضر در مراکز وجود دارد.

• نیاز به تفریح و سرگرمی

از دیگر شکایت‌های شایع، می‌توان به کمبود امکانات تفریحی، ورزشی، بازی و اوقات فراغت اشاره کرد. فقط یکی از مراکز توانسته بود تا حدی امکانات رفاهی و تفریحی رضایت‌بخشی را بر اساس مقتضیات سنی و جنسی نوجوانی ارائه کند. فراغت و تفریح، یکی از مهمترین نیازهای انسان مدرن است. اهمیت اوقات فراغت در مورد نوجوانان و جوانان که هنوز وارد بازار کار نشده و وقت آزاد بیشتری در اختیار دارند، از اهمیت دوچندان برخوردار است. نحوه گذران اوقات فراغت در هویت‌یابی و کنش‌های بهنجار یا نابهنجار جوانان موثر است. بیشترین صدماتی که ممکن است برای نوجوانان و جوانان، آسیب‌های طولانی مدت در برداشته باشد، برگرفته از اوقاتی است که این قشر عظیم اجتماع در آن لحظات، تکلیف یا کار موظفی را عهده‌دار نبوده و مایل هستند براساس علاقه خود اوقات مذکور را سپری کنند (افراسیابی و مداحی، ۱۳۹۴). در چنین موقعیتی هرنوع فعالیتی که بتواند درصدی حتی اندک از شور، هیجان و انرژی نوجوانان را ارضا و تخلیه نماید کمک بزرگی در کنترل این رفتار پرخطر به شمار می‌آید.

مشارکت‌کننده شماره ۶ بیان می‌کند: «اینجا بین تخت هست، ایکس باکس هست، بلیارد هست، کامپیوتر هست، آمفی تئاتر هست، استخر می‌برن، جلسه می‌برن، هر کی بخواد درس بخونه معلم میارن، کلاس زبان میدارن دیگه چی می‌خواهیم، مثل خونه آدم می‌مونه»

• نیاز به حمایت و پشتیبانی خانواده و دوستان

درگیری خانواده در درمان و بازتوانی معتادان نوجوان بسیار مهم است و در اصل، خانواده نیز نیاز به درمان دارد. بنابراین خانواده‌ها نیز باید مورد حمایت، آگاهی و آموزش برنامه‌های متناسب قرار گیرند. بعضی از مطالعات نشان می‌دهد که قرارگیری خانواده در روند درمان درون بستر پویا و ارتباطات خانوادگی، موثرتر از درمان نوجوان به تنهایی خواهد بود (کولیسترا و همکاران، ۲۰۱۴). برنامه‌های درمان باید با توجه به نیازهای منحصر به فرد نوجوانان و یا خانواده‌اش، که با ارزیابی جامع از نیازها و نقاط قوت نوجوانان و خانواده آغاز می‌شود، طراحی گردد.

• نیاز به پیگیری وضعیت سلامت جسمانی و روانی

استفاده زود هنگام از مواد در دوران نوجوانی، تعدادی از خطرات و پیامدهای فوری و طولانی مدت را به همراه می آورد. بنابراین نوجوانان نباید درمانی همانند بزرگسالان دریافت کنند؛ چرا که آنها در مراحل متفاوتی از زندگی خود در مقایسه با بزرگسالان هستند و همچنین به دلیل مصرف مواد ممکن است اختلالاتی در عملکرد بیولوژیکی مغزشان به وجود آمده باشد. در زمان مصرف مواد محرک به ویژه آمفتامین، قضاوت مختل می شود و فراوانی رفتارهای خطرناک افزایش می یابد و هنگامی که اثرات مواد با کمبود خواب ترکیب شوند، احساسات پارانوئید، پر خاشگری و خشونت نیز می تواند با متامفتامین همراه شود. در مقایسه با مصرف کنندگان بزرگسال، نوجوانان، مشکلات منحصر به فردی از جمله پیشرفت سریع مصرف از تجربه اولیه تا وابستگی به آن دارند؛ همچنین مشکلات و اختلالات روان پزشکی بیشتری را با توجه به مصرف کمتر نسبت به بزرگسالان تجربه می کنند.

مشارکت کننده شماره ۸ می گوید: «خوب مشکل داشتم خیلی زیاد، خود زنی می کردم، صورتم مشخصه توامین آباد بستری شدم تو بهزیستی هم بودم، زیاد حوصله ام سر میره، با هر کی حرف می زنم جر و بحث می کردم»

۳- نیازهای پس از بازتوانی

جدول ۴: عبارات معنایی، کدهای اولیه، مضمون های فرعی و اصلی

عبارات معنایی	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون اصلی
- یکی که پشتیبان باشه واسم سر کار برم، چی میگن مشغله (دغدغه) فکری نداشته باشم	وجود	نیاز به افراد راهنما و حامی	
- خوب یه پشتیبان خوب یکی که به آدم امید بده همین اون موقع زمانیه که خدا بکیو گذاشته جلو پام که منو برده سر کار، کار کنم که برم کار کنم پول جمع کنم برم صورتمو عمل کنم با این کار باعث بشه که دیگه به سمت مواد نرم اگه این اتفاق بیوفته خیلی خوبه			
- خودم عقیدم اینه که کار باشه دیگه بساط مواد نمیشم کسای دیگه رو نمیدونم - به نظرم هر موقع که می خوان از اینجا مارو ترخیص کنن خودشون بفرستن به جایی که بتونیم کار کنیم سرگرم بشیم اونایی که خونواده دارن برن پیش خونواده شون	نگرانی	در	

جدول ۴: عبارات معنایی، کدهای اولیه، مضمون‌های فرعی و اصلی

عبارات معنایی	کد اولیه	مضمون فرعی	مضمون اصلی
- خوب من رفتم اونجا خیاطی یاد گرفتم باید یکی باشه که یه سرمایه ای بهم بده	مورد کار		
که برم براخودم کار کنم	و آینده		
-آره به کاری باشه کار کنم بعد به همراه خانواده زندگی کنم			
-همین الانش که سالم شدم همیشه تو جلسه میگم یا امروز میرم بیرون یا فردا تو جلسه میگم که رفتم خونه شب اول نه شب دوم با بابام جر و بحثم میشه همون پیش زمینه‌ای میشه برم بزنم خوب چیکار کنم.			
-من به این نیاز دارم که پدر مادرم منو درک کنن	پیگیری و		
-اگه اونجا برم (خونه) اون خاطره‌های بد روزهایی که سخت گذشته واسه من	حمایت		
دوباره میاد جلو چشم ما معتادا اگه زیر فشار باشیم سریع میریم سمت مواد خیلی	از		
سخته واسمون یعنی نمیتونیم	طرف	نیاز به مراقبت	نیازهای پس
-به خودم میگم برم خونه پیش بابام که اونم مصرف داره چطور میشه برم اونجا	خانواده و	و حمایت	از بازتوانی
نمیشه که با خودم میگم برم پیش پدر بزرگ مادر بزرگم خوب اونا پیر شدن	جامعه	اجتماعی	
نمیتونن منو نگه دارن من جوونم بخوام به کاری کنم اعصابشون خورد بشه	مداوم		
دوباره میخواد بگه برو از خونه من بیرون			
- بین جوون میره بیرون بعد ترک نمیدونه چیکار کنه نمیتونه کار کنه، کم میاره			
می بینه هیچی واسش نیست، هیچی واسش فرقی نداره، بعد میبینه بد بخته، کسیو			
نداره بعد میگه بزنم آروم میشم خوب میزنه آروم میشه آسمون بیاد پایین براش			
فرقی نداره چون آرومه، بعد کم کم میشه کارتن خواب			
- اونجایی که ما زندگی میکردیم "سرجو" حکم دروازه غارو داشت			
- مادرش که فهمید دوستم مصرف میکنه از اون محل رفتن، یعنی از غرب تهران			
رفتن شرق تهران	محل		
- واقعا باید خونمونو عوض کنیم اگه بخوای پاک زندگی کنی نمیتونی اگه	سالم		
خونت تو دروازه غار باشه تو شوش باشه تو محل ما باشه نمیشه باید حتما محلتو			
عوض کنی			
- میترسم برم بیرون دوباره مصرف کنم از این چیزاش میترسم			
- بیرون با خودم میگم که کار میکنم میگم که تو سابقه داری، زندان رفتی بهت	انگ		
کار نمیدن شاید اصلا کاری نکرده باشم ولی خوب آدمای دهن بینن دیگه	اجتماعی		
- هر موقع خواستم برم کاری پیدا کنم این خط‌های رو صورتم باعث شد که بهم			
کار ندن			

• نیاز به حضور افراد تاثیرگذار در زندگی

حضور حداقل یک نفرتاثيرگذار در زندگي نوجوان وابسته به مواد- يک دوست، متخصص، معلم يا يکي از اعضاي خانواده - مي تواند تاثير بسزايي در تغيير زندگي نوجوان وابسته مواد داشته باشد. اين افراد به خوبي مي توانند با حمايت و پشتياني، نوجوان را براي ترک تشويق کرده و به او انگيزه و روحيه بدهند. در شرايطي که رفتار ما به عنوان خانواده، دوستان و اطرافيان با معتاد درست باشد، فرد معتاد عزت نفس از دست رفته خود را باز مي يابد و با جديت قدم در راه درمان و بازتواني مي گذارد. از اين رو بايد گفت، وجود فرد تاثيرگذار، حامی و پشتيان که با عشق نقش حمايت کننده و راهنما را دارد، بسيار حياتي و تعيين کننده است. در اين بار مشارکت کننده شماره ۵ و ۱ مي گويند:

۵- «اون موقع زمانيه که خدا يکيو گذاشته جلو پام که منو برده سر کار کارکنم که با اين کار کردنم باعث بشه که ديگه به سمت مواد نرم

۱- يه معتاد هيچي جز احترام نمي خواد جز اين عشقه نميخواد چون که مشکل ما اون پول و لباسه نيست اون محبته است. اون محبته است که جذب ميکنه

• نیاز به مراقبت و حمايت اجتماعي مداوم

بازتواني و توانمندسازي فرايندي طولاني است و معمولاً بيش از آنچه انتظار مي رود به طول مي انجامد (بروک و مک دونالد^۱، ۲۰۰۷؛ به نقل از معارف وند، ۱۳۹۴). به همين دليل دوره هاي درماني به تنهائي براي بازگشت موفق بيمار به خانواده و جامعه کفايت نمي کنند. همچنين در اين دوره ها فرصت کافي براي آماده کردن فرد مبتلا به اختلال مصرف مواد، خانواده و جامعه براي تغيير وجود ندارد. از سوي ديگر مطالعات نشان داده اند بيش از دو سوم بيماران ترخيص شده از مراکز ظرف سه ماه اول پس از ترخيص عود مي کنند. به اين ترتيب مداومت در ارايه مراقبت و حمايت هاي اجتماعي براي نوجوانان وابسته به مواد ضرورت مي يابد. اين درحالي است که اغلب برنامه هاي درماني، خدمات و حمايت هاي پس از ترخيص را پيش بيني نمي کنند يا در صورت پيش بيني به درستي انجام نمي دهند. اين خدمات مي تواند طيف وسيعي از خدمات فردي، خانوادگي و

گروهی، مصاحبه‌های انگیزشی در مراحل مختلف، آموزش مهارت‌های پیشگیری از عود و ... را در بر گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر مطالعه کیفی شناسایی مسائل و نیازهای نوجوانان وابسته به مواد محرک برای درمان و بازتوانی‌شان بود. تحلیل مضمون نشان داد که مسایل و نیازهای این گروه از نوجوانان در سه تم یا مضمون اصلی دسته‌بندی می‌شود که عبارت بودند از: ۱- مسایل و نیازهای عمومی در قالب ۶ مضمون فرعی شامل نیاز به بررسی مسائل و مشکلات مرتبط با خانواده، نیاز به آموزش مهارت‌های والدینی برای خانواده‌ها، نیاز به ارتباط سالم و مثبت با همسال و دوستان، نیاز به آموزش رسمی/ مهارت‌های زندگی، نیاز به تفریح و سرگرمی / اوقات فراغت، ۲- نیازهای دوران درمان یا بازتوانی در قالب ۷ مضمون فرعی شامل نیاز به امید، نیاز به انگیزه، نیاز به داشتن هدف، نیاز به احترام، نیاز به حمایت دوستان و خانواده، نیاز به برنامه‌های متناسب با نوجوانی، نیاز به پیگیری وضعیت سلامت و ۳- نیازهای پس از درمان یا بازتوانی در قالب ۲ مضمون فرعی شامل نیاز به افراد تاثیرگذار، نیاز به مراقبت و حمایت اجتماعی مداوم و بلندمدت بودند.

از دیدگاه شرکت‌کنندگان یکی از حوزه‌هایی که باید در مسیر رسیدگی به نیازها و مسایل آنان توجه نمود، حوزه خانواده بود که در یافته‌های پژوهش به عنوان نیاز به رسیدگی به مسایل و مشکلات خانواده در بخش نیازهای عمومی و نیاز به حمایت و پشتیبانی خانواده در بخش نیازهای دوره بازتوانی و نیاز به مراقبت و حمایت مداوم در بخش نیازهای پس از دوره درمان و بازتوانی شناسایی شدند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش خمرنیا و پیوند (۱۳۹۷)؛ جوادی و پيله‌وری (۱۳۹۶)؛ غلامی آیز، عنایت و خسروی (۱۳۹۹)؛ نعمتی سوگلی تپه و همکاران (۱۳۹۹) و نعمتی سوگلی تپه، خالدیان (۱۴۰۱) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان به نظریه کنترل اجتماعی هیرشی اشاره کرد که بر اساس این نظریه، کجروی هنگامی به وجود می‌آید که تعهد و التزام فرد، ضعیف و کمرنگ باشد و یا از بین برود. مصرف بی‌رویه مواد مخدر و روانگردان و یا ارتکاب هرگونه جرمی در دوران اولیه رشد، تابع روابط و برخورد نابهنجار والدین می‌باشد. براین اساس کیفیت ارتباط اعضای خانواده

و پیوندهای عاطفی آنان بر میزان مشکلات آسیب پذیری نوجوانان تأثیر می گذارد. بنابراین از نظر روان شناختی و هم جامعه شناختی، کنترل درونی، تأثیرپذیر از خانواده و تابعی از آن است. به این معنا که رابطه جوانان و نوجوانان با مصرف مواد مخدر و روانگردان همبستگی زیادی با بیگانگی از خانواده دارد. از این رو مداخله و اصلاح کارکردهای خانواده می تواند نتایج امید بخشی را در حوزه سلامت و بهبودی نوجوانان داشته باشد (دیویس، کامینگز و وینتر^۱؛ ۲۰۰۴؛ لیندال، برگمان و مالیک^۲، ۲۰۱۲). در این خصوص انواع خانواده درمانی ها، برنامه تقویت خانواده و سایر برنامه هایی که بر اصلاح کارکردهای خانواده توجه دارند همچنین درمان اجتماع مدار، از جمله درمان های مؤثر در پیشگیری و درمان اعتیاد هستند که کمتر توسط درمانگران داخلی مورد استفاده قرار گرفته است. این نوع درمان ها و مداخله ها به عنوان ابزار قدرتمند در بازتوانی جوانان و نوجوانان وابسته به مواد در کشورهای توسعه یافته به کار می رود، خصوصاً زمانی که مشکلات مربوط به مواد با رفتارهای ضد اجتماعی، اختلافات درون خانوادگی والدین و فرزندان و همچنین روابط جنسی پرخطر آمیخته باشد. نتایج تحقیقات متعدد، اثربخشی این نوع مداخله ها را در کار با نوجوانان و جوانان تأیید می کنند. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز^۳ (۱۹۹۸) مصاحبت با همسالان منجر به یادگیری رفتار و تشخیص تقویت متمایز، تقلید و کسب نگرش های همسالان می شود که نکته کلیدی مکانیزم های یادگیری هستند. مدت زمان سپری شده و کارهای مشترک، رابطه مستقیمی با احتمال مصرف مواد دارد (بندورا^۴، ۱۹۷۷؛ به نقل از بخشش بروجنی، هاشمی و فرج پور نیری، ۱۳۹۸). طبق دیدگاه حمایت فرهنگی و اجتماعی، سوء مصرف مواد در همسالان تلاشی جمعی برای حل مشکلات است؛ به این طریق که فرد تلاش می کند موقعیت اجتماعی خود را در گروه افزایش دهد. اعضای گروه های خاص اجتماعی در صورتی که فرد نتواند احترام لازم جامعه بزرگتر را کسب نماید، از طریق انجام رفتارهای بزهکارانه که مورد تایید گروه اجتماعی خود است، این احترام را کسب می کنند. در واقع، رفتار انحرافی راهکاری برای مقابله با حس

فرسودگی و عزت نفس پایینی است که در نتیجه طبقه اجتماعی- اقتصادی فرد ایجاد شده است. نظریه کنترل اجتماعی نیز بیان می‌کند که در فرایند اجتماعی کردن جوانان و نوجوانان، همسالان اهمیت خاصی دارند (نعمتی سوگلی تپه و همکاران، ۱۳۹۹). بر این اساس نیاز به روابط مناسب با دوستان و همسالان که در یافته‌های پژوهش شناسایی شد همچنان که در نظریه‌های مختلف بیان شده است، می‌تواند یکی از حوزه‌های مهم در مسیر بازتوانی نوجوانان وابسته به مواد باشد که باید به آن توجه نمود. به نظر می‌رسد با توجه به یافته‌های پژوهش بیشتر مسائلی که در جهت تعامل مثبت نوجوانان با همسالان می‌تواند مورد توجه و عمل در مانگران باشد، بررسی و رسیدگی به مسائلی مانند دعوا و اختلاف بین دوستان؛ حسادت؛ تعامل سالم با جنس مخالف؛ نقش نوجوان در گروه دوستان و ... است تا نوجوانان بتوانند تعاملات مناسب با دیگر همسالان خود داشته باشند. همچنین ضمن انجام سوادآموزی و کمک به ادامه تحصیل این گروه از نوجوانان، آموزش برخی از مهارت‌های اجتماعی برای ارتقای ظرفیت نوجوانان در مقابله با مصرف و عود مجدد نوجوانان می‌تواند انجام شود که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آموزش مهارت‌های حل مسئله؛ آموزش مهارت‌های مربوط به تصمیم‌گیری؛ آموزش مهارت‌های مربوط به جرات‌مندی و ابراز وجود؛ آموزش مهارت‌های کنترل تکانه؛ ارائه اطلاعات لازم در زمینه مواد، اثرات و تبعات آن و آموزش شیوه‌های دوست‌یابی و روابط مثبت با همسالان. نیاز به احترام به عنوان نیازی که در این پژوهش شناسایی شد و تحسین شدن در اجتماع، دو مقوله‌ای هستند که در کنار هم به عنوان نیازهای روانی سلسله مراتب شناخته می‌شوند. بر اساس نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو نیازهای فیزیولوژیکی، امنیتی، اجتماعی و احترامی، نیازهای ناشی از کمبود هستند که به دلیل محرومیت به وجود می‌آیند. این نیازها شبیه غرایز هستند و نقش عمده‌ای در رفتار افراد ایفا می‌کنند. بر این اساس ارضای این نیازها برای جلوگیری از درگیر شدن با احساسات منفی یا عواقب ناخوشایندی مانند مصرف مواد مخدر و روانگردان، بسیار مهم است. بنابراین هنگامی که افراد احساس احترام کنند یا احترام ببینند، احساس خواهند کرد که فرد مهمی در جامعه هستند و چیز با

ارزشی برای ارایه به جامعه خود دارند (اندرسون^۱، ۲۰۱۶). بازتوانی و توانمندسازی فرایندی طولانی است و معمولاً بیش از آنچه انتظار می‌رود به طول می‌انجامد (بروک و مک دونالد، ۲۰۰۷؛ به نقل از معارف وند، ۱۳۹۴). به همین دلیل دوره‌های درمانی به تنهایی برای بازگشت موفق بیمار به خانواده و جامعه کفایت نمی‌کنند؛ همچنین در این دوره‌ها فرصت کافی برای آماده کردن فرد مبتلا به اختلال مصرف مواد، خانواده و جامعه برای تغییر وجود ندارد. از سوی دیگر مطالعات نشان داده‌اند بیش از دو سوم بیماران ترخیص شده از مراکز، ظرف سه ماه اول پس از ترخیص عود می‌کنند. به این ترتیب مداومت در ارائه مراقبت و حمایت‌های اجتماعی برای نوجوانان وابسته به مواد ضرورت می‌یابد. این درحالی است که اغلب برنامه‌های درمانی، خدمات و حمایت‌های پس از ترخیص را پیش‌بینی نمی‌کنند یا در صورت پیش‌بینی به درستی انجام نمی‌دهند. این خدمات می‌تواند طیف وسیعی از خدمات فردی، خانوادگی و گروهی، مصاحبه‌های انگیزشی در مراحل مختلف، آموزش مهارت‌های پیشگیری از عود و ... را در برگیرد. درواقع، هیچ فرمول مشخصی برای خدمات پس از ترخیص وجود ندارد؛ چراکه خدمات پس از ترخیص باید با در نظر گرفتن نیازهای مراجع برای پیشگیری از عود و بازگشت موفق به خانواده و جامعه در طول دوره درمان فرد طراحی شوند و هدف مشخصی را دنبال کنند. با این وجود مداخله‌هایی نظیر تقویت شبکه حمایتی فرد، تشویق مراجع به شرکت در گروه‌های خودیار، ارزیابی مداوم و چندوجهی از وضعیت فرد، مسکن، شغل، رفت و آمد و پایش‌های دوره‌ای نظیر آزمایش اعتیاد، مدیریت مورد^۲، بازدید در-از منزل^۳ و تماس تلفنی را توصیه می‌کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت نوجوانان وابسته به مواد (محرک) برای درمان و بازتوانی‌شان مشکلات و نیازهای متعددی دارند؛ بنابراین تدوین برنامه‌ها و مداخله‌های چند بعدی و رسیدگی به حیطه‌های مختلف زندگی این گروه از نوجوانان از طریق ایجاد و گسترش مراکز ارائه خدمات تخصصی توسط کادر متخصص آموزش دیده آشنا با

نیازها و مسائل نوجوان وابسته به مواد ضرورت دارد. این پژوهش همچون سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشت. در پژوهش کیفی امکان دخالت پیش فرض‌های پژوهشگر، ممکن است نتایج پژوهش را دچار مشکل نماید که در این پژوهش تلاش شد تا حد امکان به دور از جهت‌گیری انجام گیرد. عدم دسترسی به نوجوانان وابسته مواد محرک در پژوهش و همکاری نکردن برخی از آنان و مسئولان امر از جمله دیگر محدودیت‌ها بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، پژوهش در نمونه‌های دیگر و در جامعه دختران نیز انجام گردد. یافته‌های این پژوهش به مثابه مجموعه پیشنهادات می‌تواند مورد استفاده سازمان‌ها، سیاستگذاران و مجریان این حوزه در حیطه پیشگیری از مصرف مواد و طرح‌ریزی برنامه‌های درمانی و بازتوانی نوجوانان وابسته به مواد متناسب با مسائل و نیازهای خاص این گروه از نوجوانان قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش و کسانی که صمیمانه، صادقانه و بدون هیچ انتظاری در اجرای این پژوهش همکاری کرده‌اند، کمال تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- افراسیابی، حسین و مداحی، جواد (۱۳۹۵). بازنمایی و تبیین نقش اوقات فراغت در اعتیاد به سیگار در میان دانشجویان. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۷(۲۲)، ۱۷۸-۲۱۶.
- آقابخش، حبیب (۱۳۹۳). *قضایای: نقش میانجی مددکار اجتماعی در حل اختلاف غیردادگاهی*. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- بخشش بروجنی، میکائیل؛ هاشمی، تورج و فرج پور نیری، سپیده (۱۳۹۸). پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بر اساس هم‌نشینی با همسالان بزه‌کار، افسردگی و حل مسئله. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۳(۵۳)، ۲۳۵-۲۵۲.
- پرویزی، سرور؛ سپهوند، فریبا؛ ثناگو، اکرم و رزاقی، نغمه (۱۳۸۷). درک از مفهوم سلامت در نوجوانان خرم‌آبادی: مطالعه کیفی. *نشریه پرستاری ایران*، ۲۱(۵۴)، ۶۱-۷۲.
- جوادی، سیدمحمدحسین و پیله‌وری، اعظم (۱۳۹۶). بررسی تجربه زیسته مصرف‌کنندگان بی‌خانمان: پژوهشی کیفی. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ۱۱(۴۱)، ۲۷-۴۸.
- جهانتاب، محمد (۱۳۹۳). *دوستان ناباب و اعتیاد نوجوانان. سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ۱(۴)، ۶۳-۷۸.

خمرنیا، محمد و پیوند، مصطفی (۱۳۹۷). علل بازگشت به اعتیاد به مواد مخدر و راهکارهای پیشنهادی در مراجعه کنندگان به مراکز ترک اعتیاد: یک مطالعه کیفی. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۷(۶)، ۵۳۸-۵۲۳.

زاهدی اصل، محمد (۱۳۹۲). آسیب های اجتماعی از منظر مددکاری اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

ستوده، هدایت الله (۱۳۸۴). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات). تهران: آوای نور.

صرامی، حمیدرضا (۱۳۹۶). سخن اول. فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی، ۱۱(۴۳)، ۱-۱.

عباس پور، ذبیح اله و قنبری، زهرا (۱۳۹۹). اثربخشی درمان خانواده محور بر نگرش به مصرف مواد در دانش آموزان دختر با اختلال مصرف مواد. فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۱۴(۵۷)، ۱۸۶-۱۷۱.

عزت پور، عمادالدین؛ رحمانی، خالد و بیدارپور، فرزام (۱۳۹۵). بررسی علل مصرف مواد مخدر در جوانان سمنان با استفاده از نمونه گیری پنهان. مجله روانشناسی و شناخت روانشناسی رشد، ۵(۳)، ۲۱-۱۲.

غلامی آبی، محسن؛ عنایت، حلیمه و خسروی، رقیه (۱۳۹۹). تجربه زیسته زنان از خانواده نابسامان در فرایند اعتیاد. فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی، ۱۴(۵۸)، ۱۴۲-۱۱۳.

کیان ارثی، سارا؛ عباسپور، ذبیح اله و اصلانی، خالد (۱۴۰۱). اثربخشی خانواده درمانی رفتاری بر وسوسه مصرف مواد در نوجوانان ترک کننده سوء مصرف مواد. فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی، ۱۶(۶۴)، ۶۱-۸۰.

محمدخانی، شهرام (۱۳۸۷). عوامل خطرزا و محافظت کننده مصرف الکل، سیگار و سایر مواد در بین نوجوانان کشور. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۴، ۶۹-۳۸.

معارف وند، معصومه (۱۳۹۴). راهنمای جامع مداخلات مددکاری اجتماعی در مراکز درمان و کاهش آسیب سوء مصرف مواد. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور.

نعمتی سوگلی تپه، فاطمه و خالدیان، محمد (۱۴۰۱). مطالعه کیفی عوامل موثر بر عود مجدد به سوء مصرف مواد مخدر و اعتیاد با رویکرد گراندد تئوری. فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی، ۱۶(۶۴)، ۲۷۹-۳۰۷.

نعمتی سوگلی تپه، فاطمه؛ شاهمرادی، سمیه؛ رحیمی، فاطمه السادات و خالدیان، محمد (۱۳۹۹). بررسی عوامل تاثیر گذار در سوء مصرف مواد مخدر و اعتیاد با رویکرد گراندد تئوری. فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی، ۱۴(۵۷)، ۳۴-۱۱.

References

Andershed, A. K., Andershed, H., & Söderholm-Carpelan, K. (2010) 'Om insatser som kan användas i ungdomsvård och deras effekter' [On youth care interventions for young offenders, and their effects, in *Ungdomar som begår*

- brott. Vilka insatser fungerar? [Youth Who Commit Crimes. Which Interventions Work?], eds. H. Andershed, A.-K. Andershed & K. Söderholm-Carpelan. Stockholm: Gothia.
- Anderson, N. (2016). *Most effective intervention for adolescent substance use disorder*. In BSU Honors Program Theses and Projects, Bridgewater State University.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Colistra, A. L., Crite Jr, C. E., Campbell, J. E., & Brickner, A. (2014). *Best Practices: Substance use disorder treatment for adolescents*. Alexandria, Virginia: American Counseling Association.
- Davies, P., Cummings, E., & Winter, M. (2004). Pathways between profiles of family functioning, child security in the interparental system, and child psychological problems. *Development and psychopathology*, 16, 525-550.
- Frank, A. A. (2013). *The Challenge of treating Adolescent addiction and mental illness: a program evaluation*. A dissertation for degree of doctor of psychology, The Adler school of professional psychology.
- Kohlmeier, G. M. (2019). *Study of the Impact of Adolescent Perceived Parenting Traits on the Development of Borderline, Narcissistic, and Histrionic Personality Disorders Based on Millon's Biopsychosocial Theory* (Doctoral dissertation, Adler University).
- Lindahl, K., Bregman, H., & Malik, N. (2012). Family boundary structures and child adjustment: The indirect role of emotional reactivity. *Journal of family psychology*, 26, 839-847.
- Smith, M. (2013). Care of adolescents who have mental health and substance misuse problems. *Mental health practice*, 16(5), 32-36.
- United Nations Office on Drugs & Crime. (2008). *Drugs and Age-Drugs and Associated Issues Among Young People and Older Nations Publication*. US: United Nations Office on Drugs & Crime.
- Wahab, S., Baharom, M. A., Rahman, F. N. A., Wahab, K. A., Zulkifly, M. A., Azmi, A. D., & Ahmad, N. (2021). The relationship of lifetime substance-use disorder with family functioning, childhood victimization, and depression, among juvenile offenders in Malaysia. *Addictive behaviors reports*, 14, 1-10.
- Waithima, C. (2017). Substance use assessment among school going adolescents in Kenya. *African journal of clinical psychology*, 1, 23-35.